**بررسی انسان شناختی بازنمایی زن در ضرب المثل های کُردی**

**(با تاکید بر گویش کلهری)**

**منصور منصوری مقدم[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

از جمله مسائلی که در اغب جوامع، طی چند دهه اخیر به صورت تامل برانگیزی به آن پرداخته شده است موضوع زنان، موقعیت و جایگاه آنان است. در هر فرهنگی مجموعه اي از باورهاي قالبی، عموماً منفی، در مورد زنان وجود دارد. فرهنگ هر کشوري تأثیر ویژه اي بر نگرش ها و باورهاي مردم آن کشور دارد و ضرب المثل ها به عنوان جملاتی کوتاه بیان کنندة نگرش ها و باورهاي مردم هر جامعه و ابزاري قدرتمند براي شکل دادن به آگاهیها، نگرشها و اعتقادات اخلاقی هستند. لذا ضرب المثل ها زمینه مناسبی جهت مطالعه بازنمایی زن به دور از تصورات کلیشه ای و توجه به لایه های عمیق هستند. در صورت فقدان چنین پژوهش هایی، بررسی های فرهنگی به یک سو نگری و عینی گرایی افراطی دچار می شوند. مقاله حاضر با در نظر گرفتن اهمیت ادبیات شفاهی و با تاکید بر ضرب المثل ها به عنوان زمینه مناسب بازنمایی زن به سوالات زیر توجه دارد:ضرب المثل های کردی چه خصوصیات و صفاتی را به زنان نسبت داده اند و کدام انتظارت از زن در میان آنها وجود دارد؟ زن در ضرب المثل های کردی دارای چه جایگاهی است؟ چه نقش هایی براي زنان در ضرب المثل هاي کردی تعریف شده است؟. با اینکه می توان در ضرب المثل های بررسی شده در این مطالعه، بازنمایی جایگاه زن را به شیوه چند بعدی مشاده نمود اما به طور کلی، نقش زنان نادیده گرفته شده و مسائل دلخواه فرهنگ مردسالار در آنها انعکاس یافته است.

**واژگان کلیدی:** ضرب المثل، زن، فرهنگ مردسالار، کردی کلهری

**مقدمه**

در هر فرهنگی مجموعه اي از باورهاي قالبی، عموماً منفی، در مورد زنان وجود دارد. این امر همچنین در ادیان مختلف نیز مشاهده میشود. فرهنگ هر کشوري تأثیر ویژه اي بر نگرش ها و باورهاي مردم آن کشور دارد و ضرب المثل ها به عنوان جملاتی کوتاه بیان کنندة نگرش ها و باورهاي مردم هر جامعه و ابزاري قدرتمند براي شکل دادن به آگاهیها، نگرشها و اعتقادات اخلاقی هستند. دهخدا ( 1373 ) در تعریف ضربالمثل می نویسد: «ضربالمثلها عبارات و جملات کوتاهی هستند که مفاهیمی عمیق را در بر دارند. ضربالمثل نوعی تمثیل است و تمثیل مصدر عربی است به معناي آوردن. معیار دیگر ضربالمثل شاهد آوردن در سخن براي مخاطب توسط گوینده است. به گفتۀ فخر رازي مقصود از ضرب در ضربالمثل آن است که مثل در دل نفوذ میکند که توصیف خود آن شیء را اثري نیست»(وطواط،1376: 229). به اعتقاد بهمنیار، «مثل، یک شعبه مهم از ادبیات هر زبان و نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل زبان است»(بهمنیار، 1369). مثل ها از این حیث بازتابی از زندگی مردم هستند که از یک سو تمامی زندگی به شکلی زنده و پرچاذبه در مثل ها دیده می شود و از سوی دیگر، تمامی قوانین و قواعد اجتماعی و دینی به شکلی ساده از زبان مثل ها روایت می شود، تا قابل فهم برای همگان گردد(ذوالفقاری، 1391: 32). ضرب المثل ها منبع مهمی برای مطالعات انسان شناختی هستند، زیرا با مطالعه آن ها بسیاری از اطلاعات مربوط به فرهنگ های مختلف حفظ و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. مثل ها« یک نوع رده شناسی خاص از الگوهای تفکر محسوب می شوند که با استفاده از آن ها می توان بسیاری از ایده های راجع به اینکه افراد هر جامعه چگونه فکر می کنند، مفاهیم را درک و پدیده های جهان را دسته بندی می کنند، استخراج کرد و به این نکته پی برد که چگونه دانش سنتی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد»(زاهدی و ایمانی، 1391: 82).

بنابر تعبیر میشل فوکو(1980) ما به عنوان موجودات انسانی، از طریق مباحثه، تفاسیری وابسته به پدیده شناسی از حیات روزمره مان داریم. مباحثه ساختاری است که راه تفکر کردن به شیوة موجودي انسانی را در این دنیا موجب میشود. تعابیر فوق نشانگر آن است که مردم از ضربالمثلها براي حفظ زندگی جنسیتیشده و از طریق رساندن فهمی کلیشهاي از مردانگی و زنانگی در میان افراد استفاده میکنند.

در هر فرهنگی بر اساس نگرشهاي موجود نسبت به مردان و زنان به توصیف حالات روحی و رفتاري آنها در قالب ضربالمثل، قصه و افسانه، لالاییها، اشعار محلی و ... پرداخته شده است. ضربالمثلها بخشی جداییناپذیر از هر فرهنگی هستند و تقریباً در همۀ زبانها یافت میشوند. گاه دامنه این گونه ضربالمثلها بسیار فراتر از قلمرو زبان یک کشور بوده و در میان ملل مختلف مشترك است و اگرچه در عبارت متفاوت هستند، اما در معنی و مفهوم یک مقصود را بیان میکند. لذا با واکاوي این ضربالمثلها میتوان دیدگاههاي موجود دربارة زنان را کشف نموده و جهت کاهش دیدگاههاي منفی نسبت به زنان در پی راهحلهایی بود. بنابراین توجه به جایگاه و موقعیت زنان در ضرب المثل ها امري ضروري بشمار میرود.(موحد و دیگران،1391: 102). در این مقاله با استفاده از روش کیفی به بررسی انسان شناختی تصویر زن در ضرب المثل های کردی پرداخته شده است. ضرب المثل های که در این مطالعه بررسی شده اند مربوط به یکی از گویش های زبان کردی به نام گویش کلهری می باشد که در استان های ایلام وکرمانشاه رواج دارد.

**طرح مسئله**

از جمله مسائلی که در اغب جوامع، طی چند دهه اخیر به صورت تامل برانگیزی به آن پرداخته شده است موضوع زنان، موقعیت و جایگاه آنان است. انسان شناسی علم مطالعه فرهنگ هاست و بر این اصل تاکید دارد که جایگاه و نحوه نگرش به هر موضوعی باید در زمینه فرهنگی آن و به دور از هر گونه تعمیمی و کلی گویی بررسی و تحلیل شود. یکی از اجزای پر اهمیت فرهنگ قومی، فرهنگ عامه یا فلکور است که «مجموعه ای است از دانستنی ها و اعمال و رفتاری که در بین عامه مردم بدون در نظر گرفتن و حتی بدون وجود فواید علمی . منطقی آن، سینه به سینه و نسل به نسل به صورت تجربه به ارث رسیده است»(روح الامینی، 1382: 226). در میان قلمرو گسترده عامه، ادبیات شفاهی می تواند عرصه مناسبی جهت شناخت ارزش ها و باورهای یک ملت باشد؛ به این دلیل که هر چند ادبیات فولکور بازگوکننده بازمانده های فکری افراد متعلق به یک فرهنگ است، اما این بخش از فرهنگ نیز مانند سایر بخش های آن میرایی ندارد و حیات خود را در نسل های متمادی از گذشته تاکنون حفظ کرده است. اهمیت ادبیات عامیانه به عنوان یکی از عناصر اساسی فولکور در هر فرهنگ تا جایی است که ویلیام باسکام، مردم شناس آمریکایی، قلمرو فولکور را به هنر شفاهی محدود کرده است. پژوهش در باب فولکور، عناصر و جایگاه آن ها در میان مردم، مار به شناخت دقیق تر و عمیق تری از فرهنگ قومی می رساند که در واقع زیست جهان معاصر رواج دارند و امری صرفا مربوط به گذشته نیست. در واقع باید گفت که موضوعات«ادبیات فولکور در همه اعصار یادآور قابلیت های ویژه نوعی انسان و آیینه زندگی واقعی انسان هاست»(سیپک، 1384: 13).

بخشی عظیمی از فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی در ضرب المثل ها بازگو شده است که خود به مثابه چکیده افکار و عقاید ملت ها، از اوضاع و شرایط اجتماعی- فرهنگی متاثرند. از این منظر، ضرب المثل های کردی و شیوه بازنمایی زن در آن هاست تا به دور از تصورات کلیشه ای و پیش داوری در رابطه با موضوع مورد مطالعه درک و تفسیر اطلاع رسان ها و اهالی بومی در مورد ابعاد، مضامین و مفاهیم ضرب المثل ها مورد تحلیل و واکاری قرار گیرند. زیرا محققان کیفی پدیده ها را در زمینه طبیعی خود مطالعه می کنند و آن ها را به همان شکلی که مردم معنا می بخشند، منعکس می سازند(محمدپور و رضایی، 1387: 78). به این معنا که در پژوهش میدانی امر ژرفانگری بسیار مهم است و پژوهشگر فرهنگ عامه در مراحل تحقیق با توجه به آگاهی نسبی از پیش، اما بدون پیش داوری به مطالعه موضوع می پردازد(میهن دوست، 1380: 40).

از آنجا که زنان تقریبا نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می دهند و در قالب نیمه پیکر انسانی که زاییده آن نیمه دیگر نیز هست، در جایگاهی فراتر از قوم و ملت و نژاد و تبار قرار دارند، جست و جو برای یافتن هویت راستین آنان، تلاش برای یافتن هویت و سرشت راستین نوع بشر برای جهانی انسان پرور و انسان گراست. از آنجا که بهبود وضعیت زنان در جامعه، با اصلاح نگرش ها در مورد تساوی حقوق اجتماعی زن و مرد و به ویژه استیفای حقوق زن آغاز می شود، مطالعه وضعیت زنان برای رسیدن به این مهم ضروری به نظر می رسد(مرادی، 1391). از طرفی در اذهان بسیاری از مردم، هرگاه سخنی از حقوق زنان به میان می آید، تنها این مسئله به ذهن خطور می کند زن در عرصه پهناور جهان، از آغاز تاکنون و فارغ از زمان و مکان، نژاد، رنگ و آیین، بار مسئولیت ویژه ای بر دوش دارد و آن عبارت است از زدان و پروردن و به بلوغ رساندن. آیا به راستی نقش زنان در همین چند کلمه خلاصه می شود؟ شکی نیست که موارد یاد شده، بخشی از حیات زن و شاید مهمترین بخش آن یعنی پرورش در همین بخش جای می گیرد که انکار و چون و چرای نمی پذیرد. اما حقیقت این است که زن در ساختار اجتماعی، تاریخی، سیاسی و زیربنای فرهنگ و تمدن و پیدایش باورها و اعتقادها نقش بس عمده داشته و دارد(اعتضادی، 1388: 49).

حال اگر ضرب المثل ها را آیینه جوامع بدانیم، با توجه به اینکه از دامان فرهنگ یک ملت بیرون می آیند و ناخودآگاه بر اذهان اهل یک زبان تاثیر می گذارند، با بررسی مفهوم آنها می توان دیدگاه جامعه نسبت به زنان را بهتر درک کنیم؛ زیرا با اندکی تامل می بیینم در اغلب موارد ضرب المثل ها از زبان مردان و خطاب به زنان گفته شده و در اندک مواردی زنان، مردان را مورد خطاب قرار داده اند(امین الرعایا و دیگران، 1394: 93). پرداختن به فولکور و ادبیات شفاهی به عنوان زبانی اجتماعی برای بیان اندیشه ها، ارزش ها و باورها اهمیت بسیاری زیادی دارد. زیرا «هنوز هم جامعه ای را که تمام رفتار و اعمال افرادش منطقی و بر اساس موازین کاملا منطقی- علمی باشد سراغ نداریم، بنابرین جامعه ای را نیز نمی شناسیم که دارای فولکور نباشد»(روح الامینی، 1382: 231). از سوی دیگر می توان گفت «اهمیت عناصر شفاهی فرهنگ تا جایی است که حتی تاریخ اجتماعی و تغییرات اجتماعی را از روی همین فرهنگ شفاهی می توان بازسازی کرد»(محمدزاده، 1387: 133). به علاوه، ضرب المثل به عنوان یکی از عناصر ادبیات شفاهی تا حدود زیادی در جامعه کنونی زنده هستند و به کار می روند. بنابرین، ضرورت و اهمیت مطالعات انسان شناختی با رویکردهای نوین در این زمینه، به ویژه در جایی که فرهنگ نوشتاری اساسا ضعیف است، پر واضح است.

ضرب المثل های هر قوم، بیانگر هویت و شرایط اجتماعی- فرهنگی آن است، زیرا آن ها متاثر از واقعیت های اجتماعی هستند و در طول تاریخ شکل گرفته اند. به بیان بهتر، در عین اینکه خود یکی از عناصر خاص فولکوریک هستند، قسمت دیگری از فولکور را که همان داستان یا قصه کوتاه است به همراه می آورند که در واقع سرچشمه ضرب المثل ها هستند. این گفته با اختصاص دادن بخش وسیعی از ادبیات عامه، بیانگر باورهای فرهنگی و بومی هستند. نگاهی به کاربرد عناصر و مواد فرهنگ عامه در دایره ی زندگی روستایی و شهری این حقیقت را به پژوهشگر فرهنگ عامه روشن می کند که هنوز زنجیره های تنگی از فرهنگ عامه مردم ایران به زاد و روزینگی خود ادامه می دهند(میهن دوست، 1380: 16). اریستووا، نوسینده روسی معتقد است ضرب المثل های کردی« بسیار هوشمندانه و هدفمند ساخته شده اند و در هر نکته پیامی تاریخی یا یک رویداد مهم یا سنتی قدیم و مایه دار وجود دارد و در کل دیدگاه اقوام کرد نسبت به کودکان و نیز پسران، کهن سالان، زنان، همسران و همسایه ها را به خوبی روشن می کنند و نشان می دهند»(رسول، 2008: 90). لذا ضرب المثل ها زمینه مناسبی جهت مطالعه بازنمایی زن به دور از تصورات کلیشه ای و توجه به لایه های عمیق هستند. در صورت فقدان چنین پژوهش هایی، بررسی های فرهنگی به یکسونگری و عینی گرایی افراطی دچار می شوند. مقاله حاضر با در نظر گرفتن اهمیت ادبیات شفاهی و با تاکید بر ضرب المثل ها به عنوان زمینه مناسب بازنمایی زن به سوالات زیر توجه دارد: ضرب المثل های کردی چه خصوصیات و صفاتی را به زنان نسبت داده اند و کدام انتظارت از زن در میان آنها وجود دارد؟ زن در ضرب المثل های کردی دارای چه جایگاهی است؟ چه نقش هایی براي زنان در ضرب المثل هاي کردی تعریف شده است؟

**مروري بر مطالعات پیشین**

در مورد جایگاه زن در ضربالمثل ها پژوهش هاي انجام شده است. در ذیل به برخی از آنها در این حوزه پرداخته می شود:

* برنچ (2005) در مقاله خود به بررسی کتب عهد عتیق مسیحیان از نظر وجود کلیشه هاي جنسیتی ضرب المثل مانند در آنها می پردازد. وي دریافت که در این کتب کلیشه هاي جنسیتی بیان کنندة ویژگی هایی اغراق آمیز براي افراد و گروه هاي مختلف جنسی، سنی، شغلی و غیره می باشند.
* بک (2005) در مقالۀ خود در صدد بررسی ویژگی ارتباطی خاص ضرب المثل ها است که نقش مهمی در ایجاد ابهام (دروغ) ایفا می کنند. او به بررسی ریشه هاي استدلالی موجود در ایجاد ضرب المثل ها دربارة موضوعاتی حساس از قبیل سن، تبار، جنسیت می پردازد. او دریافت که ضرب المثل هاي جنسیتی بیان کنندة موقعیت فرودست زنان در جامعۀ پدرسالار هستند.
* کیمبا (2005) در مقاله اي تصویر پسران و دختران را در جامعۀ باگاندا بررسی می کند. وي در این مقاله تأثیراتی را که ادبیات شفاهی بر روي روابط جنسیتی می گذارد مورد تحلیل قرار داده و به دنبال ارزیابی روش هاي تأثیر ادبیات شفاهی، به عنوان عوامل تعیین کنندة رفتارهاي دو جنس است. او در این مقاله به این نتیجه می رسد که ریشۀ روابط نابرابر جنسیتی میان دو جنس که در اشکال مختلفی از ادبیات شفاهی از جمله ضرب المثل ها یافت می شود، در چگونگی ایجاد جامعه پذیري جنسیتی در دوران کودکی افراد است.
* هانک(2000) در مقالۀ خود بیان می کند که ضرب المثل ها تاریخی طولانی و گوناگون در فولکلور، دین، فرهنگ، ادبیات و زبان شفاهی، سلامت روانی و فلسفه، روانشناسی و اخیراً علم معنا و ذهن دارند. وي در این مقاله به بررسی ریشه اي نظریه هاي موجود در زمینۀ منشأهاي ضرب المثل ها می پردازد.
* برهانی شهرستانی ( 1385 ) به گردآوري ضرب المثل هایی از کشورهاي مختلف دربارة زن پرداخته است. وي معتقد است که زن در ادبیات چه در قالب شعر، چه در قالب طنز و لطیفه همواره سوژه بوده است و اگرچه در بسیاري از این موارد به جنبه هاي منفی زن اشاره شده اما نکته مهم این است که زن موضوع مورد بحث بوده است.
* کلهر ( 1380 ) در مقاله اي با عنوان «زن در ضرب المثل ها» به صورت روشمند و علمی به این موضوع پرداخته است اما پژوهش کلهر کلی است و محدودة خاصی را مد نظر ندارد.
* کاکولی ( 1385 ) در کتاب خود با عنوان «خانم ها نخوانند» به گردآوري و تنظیم ضرب المثل هایی از فرهنگ هاي مختلف در مورد زنان پرداخته و هیچ نگرش یا نظر خاصی را در این کتاب ارائه نمی کند.
* محمدپور و همکاران(1391) با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی نشان می دهند که در فولکور کردی نگاه به زن، متنوع، نامتعین و گاه متناقض است.
* ذوالفقاری(1391) به بررسی ضرب المثل هایی می پردازد که به اعضای خانواده و روابط میان آنها اشاره شده است و ویژگی این شخصیت ها را در میان افراد جامعه تا حدودی آشکار می سازد.
* کیخایی و سیاوش(1392) به بررسی نقش ضرب المثل های فارسی در ساخت و پایدار نمودن فرهنگ جنسیتی پرداخته اند. آنان نشان می دهند که زبان فارسی که تبعیض جنسیتی را در خود نهفته دارد، نقش فعالی در فرودست نشان زنان و ارزش نهادن به مردان ایفا می کند.
* زاهدی(1390) که با استفاده از تحلیل انتقادی به بررسی زن در ضرب المثل های انگلیسی پرداخته است، به مشهود بودن ساختار اجتماعی نابرابر و وجود نظام مردسالاری در ضرب المثل های فرهنگ آکسفورد اشاره کرده است.
* امین الرعایا و همکاران(1394) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ویژگی های منتسب به زنان در ضرب المثل های فارسی» با استفاده از تحلیل محتوی کیفی به بررسی، جداسازی و تفکیک ضرب المثل های که به نوعی در ارتباط با زنان بوده به بررسی ویژگی های فیزیکی و روان شناختی، بررسی مقوله های اخلاقی و عاطفی و روباط خانوادگی و اجتماعی زنان پرداخته است و نتیجه می گیرند که در بررسی ضرب المثل ها می توان جایگاه متغیر زنان را مشاهده کرد که گاهی با زبانی محترمانه و فاضلانه و گاه با داوری های بی رحمانه و مغرضانه تا حد ابلیس نزول می یابد توصیف می کند.
* رضایی و دیگران(1394)، به مطالعه و بررسی جایگاه زن و خانواده در ضرب المثل های بختیاری با روش کیفی و رویکرد فمینیستی پرداخته است. در این مطالعه محققان به دنبال پاسخ به این سوالات هستند که در ضرب المثل های بختیاری، چه جایگاهی برای زنان در نظر گرفته شده است؟ مهمترین مسائل خانوادگی انعکاس یافته در ضرب المثل ها کدامند؟ نتیجه که از این مطالعه حاصل شده، این است که در ضرب المثل ها بختیاری زن گاه جایگاه فرادست، گاه فرودست و گاه برابر با مردان دارد.
* «زن و ضرب المثل های جنسیتی»: مولفان در این مقاله به بررسی میزان استفاده از ضرب المثل های جنسیتی در بین مردم تهران پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که میزان کاربرد این نوع مثل ها کم است(معصومی و رحیمی نژاد، 1391: 126).
* موحد و دیگران(1391) در مقاله ای تحت عنوان تحلیلی جامعه شناختی از ضرب المثل های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس به بررسی بازتاب مفهوم زن و مسائل زنان در میان ضرب المثل های محلی شهرستان لامرد می باشد. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به گردآوری و تحلیل ضرب المثل هایی در خصوص زنان پرداخته شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان دهنده آن است که در این جامعه هیچ گونه نقش اجتماعی و یا حرفه ای برای زنان قائل نبوده و ضرب المثل ها پیرامون دو محور ویژگی های مختلف شخصیتی زنان و نقش های آن ها درون خانواده از جمله نقش مادری و همسری معطوف به مردسالاری موجود در این شهر شکل گرفته است.
* یکی دیگر از کارهای مرتبط با ادبیات موضوع مقاله رضایی و دیگران(1392) تحت عنوان «تصویر زن در قصه های عامیانه فرهنگ بختیاری» است. هدف از اين نوشتار، بررسي وضعيت زن در فرهنگ بختياري بر اساس سي قصة مكتوب است. نتایجی که از این مطالعه حاصل می شود این است که فرهنگ بختياري، فرهنگي مردسالار است كه به رغم نگرش مثبت به زنان، آنان را فرودست تر از مردان مي داند. در اين فرهنگ، زنان در عرص ههاي اقتصادي و سياسي حضوري كم رنگ دارند و نگاهي مردسالار بر اين زمينه ها حاكم است؛ البته زنان در برابر اين فرهنگ مردسالار سكوت نكرده، بلكه بسياري از كليشه هاي جنسيتي موجود را، به خصوص در زمينه هاي اجتماعي، نپذيرفته و مردان را مجبور كرده اند نظرشان را تغيير دهند. از جمله دغدغه هاي زن در اين قصه ها، ازدواج و مبارزه با انديشه هاي مردسالارانه است. حضور زنان در قصه ها، هم از جهت كيفي و هم از نظر كمي، بررسي شده است. فعاليت هاي سياسي و اقتصادي زن، انديشه هاي مردسالارانه، مبارزه با انديشه هاي مردسالارانه، ازدواج، و صفت هاي زن شخصيت هاي اصلي و فرعي از موضو عهاي مورد بررسي در اين مقاله اند.
* رضا نوبخت و نسرین احمدی(1388)، در مقاله بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه های عامیانه(گپ شو)، به بررسی نقش و جایگاه زنان و مردان در قصه های عامیانه شهرستان لامرد با استفاده از نظریه نقش پارسونز پرداخته اند. از میان مجوع قصه های عامیانه موجود در فرهنگ مردم این شهرستان 60 گپ شو انتخاب و با استفاده از روش فراتحلیل مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله این طور نتیجه گیری می شود که گرچه آمارها نشان از این دارد که نقش زنان در جامعه فعلی محدود به نقش خانگی نیست و برخی از زنان دارای نقش های سیاسی و اقتصادی هستند اما در این قصه ها زنان غالبا در نقش های خانوادگی و کلیشه ای سنتی ظاهر شده اند و ویژگی های اخلاقی بارز آنها ضعف و ناتوانی، مهربانی و دلسوزی و نداشتن ابزار قدرت و همچنین نداشتن قدرت است.

**مبانی مفهومی پژوهش**

برخی نظریات روان شناختی، مردم شناختی، جامعه شناختی و فمینیستی به طور ضمنی به تحلیل این مسئله پرداخته اند. اما هیچ یک از نظریات مستقیماً به موضوع مورد بررسی این مقاله نپرداخته اند.

استلدر (2010) در تحقیقی که در مورد نقش ضرب المثل ها در تأمین آسایش روانی براي مردان انجام داد، چنین دریافت: زمانی که مردان مرتکب خطا یا عمل اشتباهی می شوند، نوعی آسان گیري نسبت به خطاي آنان وجود دارد و از خطاي مردان با ضرب المثلی از قبیل این که« زندگی کن و یاد بگیر » چشم پوشی می شود. در حالی که نه تنها چنین اغماضی نسبت به خطاي زنان وجود ندارد، بلکه خطاي آنها مورد اغراق نیز قرار می گیرد. او به این نتیجه رسید که ضرب المثل ها مفري روانی براي انجام اشتباهات مردان هستند و می توانند سنگینی بار خطاي آنان را کاهش دهند، در صورتی که در مورد زنان عکس این قضیه دیده می شود، بدین شکل که نوعی برجسته سازي نسبت به خطاهاي زنان در ضرب المثل ها صورت می گیرد که این امر در جهت خوارسازي موقعیت زنان به عنوان جنس دوم است. وي همچنین دریافته است که مردان، به لحاظ روان شناختی دچار پشیمانی و افسوس کمتري در مقابل عمل اشتباه خود هستند و این امر در ضرب المثل هایی از این قبیل آشکارست: هرکسی در زندگی اشتباه میکند.

بنابر تحلیل هاي کریستوا فمینیست بلغاري در زبان شناسی فمینیستی موضوع کلیدي در تحلیل استدلالی نقش زن در ضرب المثل ها مفهوم بین متنگرایی است. از نظر او بین متنگرایی، نوعی ایجاد ارتباط چند دامنه و پویاست، به این معنا که تحلیل استدلالی از ضرب المثل هاي زنانه بدون توجه به دیگر ضرب المثل ها به طور عام و ضرب المثل هاي مردانه به طور خاص، امکان ناپذیر است. چرا که از نظر او در هر فرهنگی ضرب المثل هایی که در مورد هر دو جنس وجود دارند نقطه مقابل هم هستند(هانک، 2000؛ سانتی بانز، 2009).

میشل فوکو متفکر معاصر فرانسوي، ابداع کنندة دیدگاهی با عنوان «روش های مشروعیت سازی» است. این مفهوم بیانگر این است که هنرهاي مردمی مانند ضرب المثل ها، لالایی ها، افسانه ها، اسطوره ها و غیره همگی روش هایی هستند که هر جامعه اي از این طریق نابرابري هاي موجود در جامعه را مشروعیت می بخشد وی از آن تحت عنوان «روش های مشروعیت سازی» نام می برد(رزاقی، 1387). بر اساس نظر فوکو، هر جامعه اي روش هاي مشروعیت سازي خاص خود را داراست، «سیاست های کلی» حقیقت خاص خود را دارد و این به معناي انواع مباحثاتی است که پذیرا و سازندة کارکردي به عنوان حقیقت هستند. به عبارت دیگر مکانیزم ها و روش هایی که شخص را قادر می سازد دست به تمایز قائل شدن میان بیانات صحیح و ناصحیح بزند، ابزارهایی که موجب تقدس سازي می شوند، تکنیک ها و روش هایی که موجب ارزش گذاري و کسب مشروعیت می گردند، همگی حامی منافع کسانی است که داراي موقعیت برتر در جامعه هستند و آنان تعیین می کنند چه چیزي به عنوان حقیقت باید محسوب شود(حسین، 2009: 97). البته لازم به ذکر است که نمی توان گفت که یقیناً این مردان بوده اند که سازندة ضرب المثل هایی این چنینی دربارة زنان بوده اند تا موقعیت و جایگاه زنان را در جامعه پست نشان دهند. اما می توان با قاطعیت ادعا کرد که ضرب المثل هاي زنانه بیانگر و تقویت کنندة موقعیت ثانویه زنان در جامعه هستند(فوکو، 1980).

آندره میشل(1376) در کتاب «پیکار با تبعیض جنسی» بر اساس مطالعات انجام شده در خصوص تصورات قالبی مشترک در جوامع مختلف، کلیشه های جنسیتی را به چهار دسته تقسیم می کند:

1. نقش هاي مختلف در درون خانواده: نقش مادري، خدمت رسانی به سایر اعضاء خانواده؛

2. ویژگی هاي شخصیتی: در مقابل خلاقیت و فعال بودن مردان، زنان افرادي وابسته و منفعل هستند؛

3. نقش هاي اجتماعی و سیاسی: فعالیت و مشارکت زنان در سطوح محلی است و در مقابل مردان از مسئولیت هاي اجتماعی برخوردار بوده و یا رهبر سیاسی هستند؛

4. نقش حرفه اي: مشاغل به دو دسته زنانه و مردانه تقسیم شده، منشی گري و پرستاري نقش هاي زنان و در مقابل مردان نقش کارفرما را بر عهده دارند(میشل، 1376).

نظریه نابرابری جنسی یکی از سه نظریه فمینستی است که بر اساس آن به بررسی وضیعت زنان پرداخته می شود. چهار مضمون، شاخص نظریه های نابرابرای جنسی است: نخت آن که مردان و زنان نه تنها موقعیت های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت های نابرابری قرار گرفته اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی هستند، از منافع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت های تحقق نفس کمتری برخوردارند. دوم این که این نابرابری از سازمان جامعه نشات می گیرد و از هیچ گونه تفاوت مهم زیست شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی شود. سومین مضمون نابرابری به این اشاره دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کم تری برای برآوردن نیازها برخوردارند در حالی که هر دو در این نیاز سهیم اند. چهارم این که نظریه های نابرابری فرض را بر این می گیرند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان پذیر است(ریتزر، 1384: 473).

**یافته ها پژوهش**

**جایگاه اجتماعی زنان در ضرب المثل ها**

**زن سوژه ای فرودست:** پدیده بردگی انسان ها ظاهرا ناپدید شده است، اما برخی ایماژهای فرهنگی آن به جای مانده است. نظامی که در آن قدرت، حق انحصاری گروهی خاص محسوب می شود. ارسطو بر این باور بود که رابطه طبیعی بین ارباب و برده همانند رابطه زن و مرد است و طبق طبایع مختلف نوع بشر، نوعی از نژاد بشر دارای سرشت و ذات آزادگی و فرادستی است و نوع دیگر دارای طبیعت بردگی و فرودستی. سلطه مردان بر زنان ناشی از پدرسالاری که از جوامع پیشین برجای مانده است به گونه ای طبیعی می نمایاند که خلاف آن با رسم و سنت سازگاری ندارد. فرودستی زنان به ویژه در جوامع سنتی به صورتی است که مردان علاوه بر فرمانبرداری، که تکلیف زنان محسوب می شود، خواستار کنترل احساسات و عواطف و ذهنیت زنان هم هستند. این در حالی است که زنان هم از آغاز یاد می گیرند که منش مطلوب یا مورد انتظار مردان، تسلیم پذیری و تابیعت است. از نظر اخلاقی انتظار می رود که زنان، عواطف خود و حس از خودگذشتگی و عشقی را که در ذات آن هاست بیشتر به مرد زندگی شان و فرزندان شان محدود کننند. موضوع فرودستی زنان در فرهنگ جامعه کرد نیز مانند سایر فرهنگ ها در فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی آن بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. در فرهنگ کردی، فرزند پسر از محبوبیت بیشتری برخوردار است و مردان و حتّی زنان، بیشتر علاقه دارند که صاحب فرزند پسر شوند. به دنیا آمدن پیاپی پسر، اشاره به همان دیدگاه مردسالاری دارد که اگر کسی تعداد فرزندان پسرش بیشتر باشد، از ابهت بیشتری برخوردار است و اعتماد به نفس بیشتری دارد. فرزند پسر، نماد اقتدار و ابهت خانواده به شمار می آید و در یکی از ضرب المثل ها آن را به طبل تشبیه می کنند:«کور دهله» ترجمه: پسر، همچون طبل پر سروصداست.این مسئله حتی در میان زنان نیز رایج است و برخی از آنها بر این باورند که حسادت دیگران است که باعث می شود تا صاحب پسر نشوند: **«**کی خوه شی نیه تیه ی سوسن کور باری»؟ترجمه: چه ک سی خو شش نمیآید که سو سن پ سر به دن یا بیاورد؟ (یعنی، ک سی ح سادت میکند که فلان شخص، صاحب پسر شود). در برخی ضرب المثل های کردی، با به کارگیری تمثیل، حس مذکر گرایی برجسته تر می شود و مرد بودن بر زن بودن ترجیح داده می شود:«یه ی روژ که له شیر بوین، هزار روژ مامری تیه رزی»**.** ترجمه: یک روز خروس بودن (مرد بودن)، از هزار روز مرغ بودن (زن بودن) ارزشمندتر است. این دیدگاه نسبت به دختر، تا جایی پیش می رود که به شخصی که تنها صاحب دختر می شود، مقطوع النسل و اجاق کور گفته می شود:«وجاخ کوور و ته ژگای سییه»**.** ترجمه: اجاق خاموش و آتشدان تاریک. اجاق کور، به کسی گفته می شود که پسر ندارد.در ضرب المثل های کردی، مرد سالاری بازتاب زیادی دارد و ریاست خانواده، پس از پدر، به مادر واگذار نمی شود بلکه آن را به پسر می سپارند:«که س کلاو باوگ، ئه و سه ر دالگ نیه نه ی»**.** ترجمه: کسی کلاه پدر را بر روی سر مادر نمی گذارد.

هنگامی که در ضرب المثل ها سخن از جایگاه اجتماعی افراد به میان می آید و مباحث حوزه اجتماعی و عمومی طرح می شود، به فرودست تر بودن جایگاه اجتماعی زنان اشاره می شود. معمولا در این مثل ها، زنان جنس فرودست و مردان فرداست شمرده می شوند؛. در جامعه ای که اختیار امور به دست زنان باشد، هنجارهای جامعه مردسالار به هم می خورد، بنابرین ارزشی برای آن جامعه نمی توان قائل شد، زیرا مختار بودن زنان، باعث به هم خوردن تعادل طبیعی نظم حاکم، مردسالای، می شود و به گونه ای نارضایتی فرهنگ مردسالار را در برابر تغییرات به وجود آمده در جامعه، نشان می دهد: ضرب المثل های دیگری نشان می دهد که در فرهنگ کردی، مردان از نظر جایگاه اجتماعی برتر و بالاتر از زنان هستند و مردانی که لیاقت و شایستگی لازم را نداشته باشند، فرودست تر از زنان شمرده می شوند. «له ژن که مترم» ترجمه: از زن کمترم. بر اساس دیدگاه های مردسالارانه زن جایگاه اجتماعی بسیار پایین تری از مرد در اجتماع دارد، بنابرین برای نشان دادن جایگاه اجتماعی پایین مردان، آن ها را با زنان می سنجند و بدین طریق جایگاه اجتماعی افراد را نشان می دهند. در این ضرب المثل زن آن اندازه فرودست شمرده می شود که مردان برای نشان دادن حتمیت و قطعیت خود در کار، می گویند اگر در اقدام به کار خود کوتاهی ورزم و آن را انجام ندهم، از زن کمتر هستم.

**زن، وجودی قدسی:** محوریت و اهمیتی که در ادبیات شفاهی کردی و از جمله ضرب المثل ها به زن داده شده است، به نقش و وظایف خصوصی در محیط خانواده محدود نمی شود. او علاوه بر اینکه بنیان واقعی خانواده معرفی می شود، در عرصه عمومی جامعه نیز جایگاه محوری و قدسی دارد؛ به صورتی که علاوه بر نقش اساسی در جامعه پذیری کودکان(بیشتر دختران)، نمونه شرف و سرافرازی است. نمونه ای از این نوع گفته ها چنین است: مرد عمله است و زن بنا – زن ستون خانه است.طبق این مدل، در ضرب المثل های کردی از زوایای مختلف یا روایت های معنایی متفاوت به زن نگاه شده است و بر خلاف دیدگاه های افراطی فرودستی یا فرادستی کامل، زن در فرهنگ کردی دارای جایگاهی متنوع و چه بسا متناقض با هم است. در مقابل مرد، زن در مواردی غیرعقلانی یا در موقعیتی فرودست قرار می گیرد و گاه به مثابه دیگری کاملا بیگانه و جدا از مرد، به عنوان انسانی کامل و قائم به ذات تعریف می شود. در مواردی دیگر، زن با مرد برابر و در موقعیتی همسان در نظر گرفته می شود و خصوصیاتی که در فرهنگ قومی مثبت یا منفی تلقی می شوند در مورد هر دو جنس به کار می رود. در رابطه با فرودستی زنان ضرب المثل های وجود دارند که در مقابل آن ها هم مواردی هستند که به توانایی و نقش نافذ زنان چه در رابطه با مرد به عنوان همسر و چه در سایر نقش های اجتماعی- فرهنگی مثلا به عنوان مادر و چه مانند یک شخصیت فردی اشاره دارند(محمدپور و دیگران،1391: 81). تعدادی از ضرب المثل ها چنان اهمیتی برای زن قائل شده اند که به او همچون وجود قدسی محوریت داده اند تا جایی که شخصیت و موفقیت مرد به او وابسته می شود. بازنمایی زن در ضرب المثل ها نشان می دهد که در فرهنگ کردی؛ زن چون انسانی نگاه می شود که در موقعیت ها و نقش های مختلف می توانند ویژگی ها و خصوصیات متنوعی از خود نشان دهد و از همین روی باید گفت که این جایگاه نه به صورت تک بعدی بلکه به شیوه ای چند بعدی در ضرب المثل ها بازنمایی شده است.

در بعضی از ضرب المثل ها، زنان جایگاه بالایی دارند و حتی ارزش آن ها بیشتر از مردان دانسته شده و شخصیت مرد وابسته به آنها توصیف شده است. در ضرب المثل های کردی، این جایگاه هنگامی به زن داده می شود که سخن از مسائل درون خانواده به میان می آید. گویی این ویژگی مثبت را جامعه مردسالار به این دلیل به زنان داده است تا آنها ترغیب شوند به کارهای درون خانه بپردازند. می توان گفت ارزش قائل شدن برای زنان، به معنای برهم زدن ارزش های حاکم بر جامعه مردسالار نیست، بلکه از این رو این جایگاه به زنان به زنان داده شده است تا قواعد حاکم بر جامعه مرد سالار حفظ شود. مطابق معیارهای جامعه مردسالار، جای زن در خانه و پرداختن به کارهای درون خانه است. اگر زن این وظایف را انجام دهد، او نمونه یک زن خوب است و حتی برتر از مرد دانسته می شود. در این فرهنگ، زن باید به کارهایی مانند تربیت فرزندان بپردازد تا جایگاه اجتماعی همسرش را بالا ببرد. به عنوان مثال این قضیه را در ضرب المثل زیر می توان مشاده کرد: «خان له خانمه» ترجمه: خان از خانم است مردان بزرگ در دامان زنان پاکدامن تربیت یافته اند. یا در این ضرب المثل، «دالگ بمری، ئارده و ئاو» ترجمه: مادر بمیرد خمیر و نان با آرد و آب درست می شود. کسی که از انجام کار ساده ای دلواپس و نگران می شود. تهیه خمیر و نان از وظایف زنان عشایر است اگر مادر خانواده بمیرد دخترش باید برای اهل خانه نان درست کند چنانچه مادرش طرز پختن نان را به دخترش یاد نداده باشد دختر سرگردان و مضطرب می شود آن وقت اطرافیان به او می گویند دالگد بمیری ئارده و ئاو**.**

**زن سوژه ای غیر عقلانی:** در پاره ای از ضرب المثل ها، بازنمایی زن کرد به صورت سوژه ای غیر عقلانی و احساسی صورت گرفته است؛ نمونه ای از تقابل خرد و احساس، به این معنا که در مقایسه با مردان، زنان را به صورت طبیعی دارای احساس و عواطف قوی، و در مقابل نقصان عقلی و رفتار غیر عقلانی می دانند. در این گونه ضرب المثل ها نگاهی نسبتا تحقیرآمیز به زن دیده می شود که زن را فاقد قدرت منطق و استدلال معرفی کی کند، چنان که گویی زن هم در زمینه مسائل عمومی مورد اطمینان و شایسته مشورت نیست، و در رابطه با مسائل مربوط به خودش هم قاد به تصمیم گیری نیست. از این رو، اختیار و مالکیت زندگی و حتی جسم او در دست اعضای مذکر خانواده مانند پدر و برادر و بعد از ازدواج شوهرش قرار دارد. نمونه ای از این نوع ضرب المثل ها چنین است. «سلا به یده ده س ژن، ده سیه چله ی زمسان چیه رگ که ی» - ترجمه: اگر زمام امور را به دست زن بسپاری و با او مشورت کنی، پشم گو سفندان را در اوج سرمای زمستان می چنید. در ایران باستان، به مشورت نکردن با زن سفارش شده است. یکبار موبدان بر کسری وارد شد و گفت تو با نیک بختی زیستی و با دشمنانت پیروز شدی و به خیر و برکت، دست یافتی و از اطاعت زنان دوری گزیدی. این سخن شیرین(ملکه) را خشمگین کرد(جاحظ، 1423: 234).

**زن سوژه ای توانمند:** توانمندی زن در ضرب المثل های کردی به قدرت احساسی و عاطفی قوی او که در نقش های مادری و همسری خلاصه می شود، محدود نیست. درست است که بیشتر موارد توانایی بالای زن در مهارت هایی که زنانه خوانده شده اند، مانند امور بچه داری و خانه داری و ابراز احساسات و عواطف محدود شده است، اما در فرهنگ عامه کرد، زنی تواناست که در مردانگی هم مرد است؛ به عبارت دیگر، مسئولیت های را که ظاهرا مردانه هستند، مانند ریاست منزل و تامین معیشت، مشورت در امور مهم به عهده می گیرد و در کنار وظایف زنانگی به خوبی از عهده آن ها هم بر می آید. نمونه ای از این ضرب المثل ها در اینجا آمده است. «پیاگ فاله سو ژن بنا» ترجمه: مرد، کار میکند و زن، سازنده و بناست.

**زن: سوژه ای برابر مرد:** در موارد متعددی از ضرب المثل ها، برابری زن و مرد از جنبه های گوناگون مطرح شده است؛ چه از لحاظ خلقت اولیه آنها، که گلشان از یک جا سرشته شده است که این خود هر نوع نابرابری ناشی از خصوصیات متفاوت بیولوژیکی دو جنس را را رد می کند و چه در عرصه فعالیت ها و توانمندی های اجتماعی. اهمیت و ارزش دهی یکسان به نقش زن و مرد در اداره زندگی مشترک به صورت موفقیت آمیز عنصر دیگری در ضرب المثل های کردی است که در کنار سایر موارد به وضوح نشان دهنده موقعیت همسان و برار مرد و زن است. سرشت زن ومرد یک خاک است.در ضرب المثل های کردی، تأکید زیادی بر احترام متقابل زن و مرد شده است و زن و مرد، مکمل هم معرفی شده اند. به عنوان مثال این قضیه را می توان در این ضرب المثل مشاهده کرد. «خان له خانمه و خانم له خانه» ترجمه: اعتبار و احترام خان (مرد)، به واسطة زن اوست و اعتبار زن نیز به واسطة مرد است؛ یعنی، زن نمونه و با اخلاق، باعث اعتباریافتن مرد در جامعه می شود.

**ویژگی ها و صفات زنان در ضرب المثل ها**

بررسی صفت های نسبت داده شده به زنان، در هر جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا از طریق این صفات، می توان نگرش جامعه را نسبت به زن و جایگاه آنها شناخت. صفت ها و ویژگی های منتسب به زنان در ضرب المثل ها، بیانگر نگاه مردسالار در آن هاست، چنان که صفت های منفی برای زنان به کار می رود و از شخصیت زن برای مثال زدن در کارهای منفی استفاده می شود. مقوله های اخلاقی و عاطفی زنان، همان ویژگی های مثبت و منفی هستند که در بسیاری از ضرب المثل ها به آنها اشاره شده است. در ضرب المثل های مربوط به زنان در مقوله های جنسیتی و یا تصورات قالبی مشترک بین زنان و مردان، ویژگی های بسیاری دیده می شود که به آنان نسبت داده شده است؛ مانند: زیبایی، بدخویی، خوش خویی، بی وفایی، رازداری، پرحرفی، کم حرفی، حسادت، صداقت، کینه ورزی، نیاز، سحر و جادو، استقلال، وابستگی، قدرت، ضعف و مواردی مشابه که میزان نسبت داده شده هر یک از این صفات به مردان و زنان متفاوت است. در برخی از این مقوله ها شاهد فروانی بیشتر زنان نسب به مردان هستیم.

معمولا صفت های که در ضرب المثل های کردی همانند ضرب المثل های سایر جوامع و فرهنگ ها به زنان نسبت داده می شود نسبت به مردان، کم ارزش تر به شمار می رود. در این ضرب المثل ها از زنان انتظار می رود که به کارهای درون خانه بپردازند و انجام چنین کارهایی را به نحوه مطلوب یاد بگیرند و آن را به دختران خود آموزش دهند. در ظرب المثل های مورد بررسی، معمولا دید مثبتی نسبت به حضور زن در بیرون از خانه و انجام امورات که نیازمند حضور زن در اجتماع باشد وجود ندارد. در حجاب ماندن و بیرون نرفتن از خانه از ویژگی های بارزی است که در این جامعه بازتاب خود را در ظرب المثل ها نشان می دهد. در فرهنگ کردی، بیرون ماندن بیش از حد زن در خارج از خانه، وجهة چندان خوبی ندارد. دلیل آن، این است که زن در جامعه، نماد حیا و عفت است. البته در این خصوص، در مورد بیرون رفتن زن و حجاب، زیاد سختگیری نمی شود و به اعتدال در آن سفارش می شود ولی در برخی ضرب المثل ها، به زشتی بیرون بودن بیش از حد زن خارج از خانه و حوزه خصوصی اشاره شده است. که نمونه های از این قضیه در این ضرب المثل ها می توان مشاهده کرد: «وه یله ی دیرم وه شه رت حه یای، شه وه کی مه چوو، ئیوراه مه یای» ترجمه: عروسی بسیار با شرم و حیا دارم، صبح زود بیرون می رود و عصر برمی گردد. این مثل را بیشتر در تعریض به عروسان و افراد نافرمان و نامنظم می گویند و یادآور سخنان پرکنایه و روابط پرتنش میان مادر شوهر و عروس است. در برخی ضرب المثل ها آمده که بیرون ماندن زن در بیرون از خانه، باعث می شود که دیدگاه مثبتی در مورد زن شکل نگیرد، چرا که زن، مهمترین الگو در تربیت فرزندان و رعایت اصول اخلاقی در خانواده به حساب می آید. «دالگم، دالگت ده سه ر بازاره یل دییه» ترجمه: مادرم، مادرت را در بازار دیده است. درحجاب ماندن و بیرون رفتن زنان، امری تازه نیست و در دوره های مختلف با شدت و ضعف وجود داشته است.

در برخی از ضرب المثل های کردی به وظایف و نقش های که زنان بایستی انجام دهند همانند تامین وحمل آب، جمع آوری هیزم، جارو کردن و شیردوشی، تربیت فرزندان و انجام امورات خانه اشاره شده است. از دیگر صفات مطلوبی که به زنان نسبت داده می شود نجابت، شرم و حیا است که همین عامل یکی از سازوکارهایی است که از طریق آن زنان بیشتر میزان حضور در حوزه خصوصی را دارند و آنها را منفعل می کند. و این صفات را ماداران بایستی به دختران خود منتقل کنند تا آنها از شانس مناسب برای ازدواج برخوردار گردند. به عنوان مثال در این ضرب المثل هامادر، به عنوان الگوی اخلاقی دختر، نقش بسیار زیادی در شکل گیری رفتار اجتماعی او دارد؛ پس دختر، همانند مادرش است. بنابراین، در ضرب المثل های کردی، در امر ازدواج سفارش می شود که برای انتخاب همسر آینده، باید به رفتار مادر دختر توجه کرد: **«**دالگ بیونو گیوت بخواز، تا نه یودن وه لنگه واز»مادر را ببین و بعد از دخترش خواستگاری کن تا مثل برگی که از درخت جدا شده نشوید، که بعدا پشیمانی هیچ سودی در بر ندارد و باید در مورد هر کاری که می خواهید انجام دهی تحقیق کنید. یا در این ضرب المثل «سفره که دالگ خیدو گیوت جه میو کید سفری که باوگ خیدو کور جه میو کید»: سفره ای مادر پهن می کند دختر آن را جمع می کند و سفره ای که پدر می اندازد پسر آن را جمع می کند. یعنی اینکه راه و روشان والیدن تاثیر بسزایی در تربیت دختران و پسران دارند و آنها الگوهایی برای فرزندانش به شمار می آیند. یکی دیگر از ضرب المثل های که مرتبط با این موضوع می باشد این است «که وش پیشت پا گری، دویت فیل دا گری»: کفش، پشت پا را می گیرد زن با ناز و ادا راه می رود و دختر، راه و رسم مادر را یاد می گیرد.

به علاوه در بسیاری از ضرب المثل ها به این قضیه اشاره می گردد که زنان و دختران جوان بایستی مواظب رفتار و گفتار خود باشند زیرا اعتقادی که در بین عامه مردم وجود دارد این است که رفتارها و گفتارهای سبک سرانه دختران و زنان دلیل جلب توجه مردان است و آنها را به سوی گناه و ناهنجاری سوق می دهند که این دیدگاه در این ضرب المثل خود را نشان می دهد« تا دویت نه که ی هیکه هاک، کور نیکه فیکه فاک»، ترجمه: تا دختر با صدای بلند نخند و پسر را تحریک نکند، پسر جواب خنده او را نمی دهد و به سمت وی گرایش پیدا نمی کند. بنابرین در این فرهنگ رفتارهای دختران جوان به شدت تحت نظارت و کنترل غیر رسمی قرار می گیرد.

علاوه بر صفات و ویژگی های که در بالا به آن اشاره شد بسیاری از ضرب المثل ها زنان را به عنوان موجوداتی سخن چین، غیب کار جلوه می دهند و به همین دلیل اگر زمانی مردی مبادرت به سخن چینی و یا غیب بکند خطاب به وی گفته می شود که «شوفاری کار ژنه»، سخن چینی و فضولی کار زن است و کسانی که به این کار مبادرت می کنند رفتار آنها زنانه جلوه می کند و به نوعی آنها را جنس ضعیف می دانند. در ضرب المثلی که در ادامه می آید به صفتی اشاره می شود که آن را مختص زنان می دانند. «گه پی که توای گشتی بره سیدو بیوشه ژن»، ترجمه: اگر میخواهی همه مردم از حرفی باخبر شوند آن را برای زن تعریف کن، او آن حرف را به گوش همه می رساند. یعنی زن کنترل زبانش را در دست ندارد.

در مواردی دیگر تا حدودی نگاه های مثبتی نسبت به زنان در ضرب المثل ها روا داشته شده است. در ضرب المثل های کردی ، آمده که مرد ناگزیر از ازدواج با زن است. به ظاهر، این امر سلبی و منفی است ولی در باطن، ازدواج و ناگزیر بودن از دختر، موجب سر وسامان گرفتن مرد و جهت دار شدن زندگی او می شود و برای مردان بسیار مثبت است. در واقع ، مردان با گفتن این ضرب المثل، به صورت ضمنی و تلویحی، به نقش مؤثر و مثبت زن در تکمیل خانواده و پویایی زندگی اعتراف می کنند، هرچند که در ظاهر، خود را ناگزیر از ازدواج با زن می دانند، با دقت در کاربرد این مثل در میان مردم و به ویژه در زمان خواستگاری و ازدواج، متوجه می شویم که بار معنایی مثبت این مثل، از بار معنایی منفی آن بیشتراست:« ژن به لاس خودا به که ی هویچ مالی بی به لا نه وگ» ترجمه: زن بلاست، خدا کند هیچ خانه ای بی بلا نباشد. علاوه بر این در برخی از ضرب المثل های کردی، به ازدواج بسیار سفارش شده و زن را تکمیل کنندة زندگی دانسته و به سرعت در اقدام به این کار، حتّی در صورت قرض کردن تشویق شده است: «قه رت بکه ژن بخواز قه رته گه ده یته و، ژن وه جاس» ترجمه: قرض بکن و زن بگیر، قرضت را برمیگردانی ولی زن باقی است.

**نتیجه گیری**

این مطالعه نشان می دهد که جایگاه و بازنمایی زن در ضرب المثل های کردی چیزی فراتر از تصورهای کلیشه ای موجود در این زمینه است؛ به این معنا که ضرب المثل ها عرصه تولید و بازنمایی یک نظام معنایی بسیار متنوع و چندبعدی در رابطه با زن است. در ضرب المثل های کردی از زوایای مختلف یا روایت های معنایی متفاوت به زن نگاه شده است و بر خلاف دیدگاه های افراطی فرودستی یا فرادستی کامل، زن در فرهنگ کردی دارای جایگاهی متنوع و متناقض با هم است. در مقابل مرد، زن در مواردی غیرعقلانی یا در موقعیتی فرودست قرار می گیرد. در مواردی دیگر، زن با مرد برابر و در موقعیتی همسان در نظر گرفته می شود و خصوصیاتی که در این فرهنگ مثبت یا منفی تلقی می شوند در مورد هر دو جنس به کار می رود. در رابطه با فرودستی زنان چه در رابطه با مرد به عنوان همسر و چه در سایر نقش های اجتماعی فرهنگی مثلا به عنوان مادر اشاره داند. با وجود حاکمیت نوعی از نظام پدرسالاری در گذشته فرهنگ مردمان کرد، زن جایگاه وسیعی از ادبیات را به خود اختصاص داده است، بازنمایی زن در ضرب المثل ها نشان می دهد که فرهنگ مردمان کرد، زن چون انسانی نگاه می شود که در موقعیت ها و نقش های مختلف می تواند ویژگی ها و خصوصیات متنوعی از خود نشان دهد. با در نظر گرفتن نقش و جایگاه برجسته زن در ادبیات شفاهی باید که این جایگاه نه به صورت تک بعدی بلکه به شیوه ای چند بعدی در ضرب المثل ها بازنمایی شده است(محمدپور،1391: 80-81). با اینکه می توان در ضرب المثل های بررسی شده در این مطالعه، بازنمایی جایگاه زن را به شیوه چند بعدی مشاده نمود اما به طور کلی، نقش زنان نادیده گرفته شده و مسائل دلخواه فرهنگ مردسالار انعکاس یافته است. وقتی سخن از مسائل کلی و عام بشری است، در بیشتر مواقع مقام زن با مرد برابر است. هنگامی که از مسائل اجتماعی سخن به میان می آید، مقام فرودستی برای زن در نظر گرفته می شود و از زنان خواسته می شود تا در خانه بمانند و مشارکتی در فعالیت های بیرون از خانه نداشته باشند. این موضوع برخاسته از نگرش های مردسالارانه است که جای زن را در خانه می داند و جای مرد را در بیرون از خانه؛ بنابرین می توان گفت ضرب المثل ها همچون ابزار و رسانه ای در خدمت اندیشه های مردسالار جامعه هستند و به نابرابری های جنسی دامن می زنند. زمانی برای زن مقامی بهتر از مرد در نظر گرفته شده است که زنان به کارهای درون خانه بپردازند و آنچه را از زن در جامعه مردسالار انتظار می رود، به خوبی انجام دهند. صفت های به کار رفته برای زنان در ضرب المثل های بررسی شده، بیانگر نگاه مردسالار در آن هاست؛ چنان که صفت های منفی برای زنان به کار می رود و از شخصیت زن برای مثال زدن در کارهای منفی استفاده می شود.

همانگونه که آندره میشل ( 1386 ) با مطالعۀ کلیشه هاي جنسیتی موجود در جوامع مختلف به این نتیجه رسید که با توجه به تصورات قالبی مشترك در جوامع نقش هاي اجتماعی، سیاسی و حرفه اي زنان بسیار کم رنگ تر از مردان است، جایگاه زن در ضرب المثل هاي کردی جایگاهی است که عموماً در چارچوب خانواده (حوزه خصوصی) مطرح است و نقش هایی که براي زنان تعریف می شوند، عمدتاً مربوط به درون خانواده می باشند. به عبارت دیگر هویتی که براي زنان قائل می شوند فقط در گرو ازدواج و تحت قیومیت مرد قابل تعریف است. مسائل و مشکلات زن در خانواده مرکز ثقل این ضرب المثل ها هستند. به عنوان مثال مسائل و مشکلاتی همچون تحقیق قبل از ازدواج در مورد زنان، نگاه منفی نسبت به تجرد دختران، عدم تصمیم گیري زنان در ازدواج، مصلحتی بودن ازدواج ها، عدم وجود علاقه و عشق در ازدواج ها، مفهوم مادري و مشکلات فرزند پروري، مسئله چند زنی، دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی، عدم قدرت زن در خانواده که این امر در عدم بها دادن به مشورت با زنان در خانواده مشاهده می شود. به بیانی دیگر زنان در ضرب المثل هاي کردی به حوزة عمومی (قلمرو خارج از خانه) تعلقی ندارند.

پس در این جامعه نیز این تصورات قالبی هستند که انسانها را طبقه بندي، تفسیر، هدایت و تقدس سازي می کنند و در شکل گیري این تصورات قالبی یا شکل گیري نقش زنان در ضرب المثل ها عواملی متعددي مؤثر می باشند از جمله: جامعه پذیري جنسیتی کودکان و رواج کلیشه هاي جنسیتی دربارة دو جنس در جامعه. این موارد ریشه در پدرسالاري یا سلطۀ مردانۀ حاکم بر جامعه دارد و موجب پدیدار شدن این عوامل از سطوح خرد و کلان، در تمامی عرصه ها می گردند.

نظام پدرسالار نظامی است که در آن مردان و زنان داراي نقش هاي جنسیتی شدة معینی هستند. این نظام موجب می شود که زنان راهی جز مشارکت در نقش هاي جنسیتی نداشته باشند و نمی توانند در مسیري غیر از این مسیر تعیین شده حرکت کنند. انواع مجازات و تنبیه ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم براي مؤاخذة زنانی که از این سیستم جنسیتی غالب عدول می کنند وجود دارد. کلیشه هاي جنسیتی موجود در نظام پدرسالاري از طرق مختلفی همچون جامعه پذیري جنسیتی و انتقال بین نسلی تقویت می شوند. به گونه اي که در بسیاري موارد براي مثال در جمعی کاملاً زنانه حتی اگر مردي براي ایجاد یک هنجار جنسیتی وجود نداشته باشند این زنان هستند که این چنین هنجارهاي جنسیتی را تقویت می کنند (فوکو، 1980).

**فهرست منابع**

* اعتضادی، شغفیدا(1388)، نظری بر نظام حقوقی و مدنی زن در ایران باستان، مجله فرهنگ، شماره 70، صص 47-68
* بهمنیار، علی(1385)، زن در ضرب المثل های ایران و جهان، مشهد: آرمان خرد
* دهخدا، علی اکبر(1375)، امثال و حکم، تهران، امیرکبیر
* ذوالفقاری، حسن(1388)، فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی، تهران: معین
* ذوالفقاری، حسن(1391)، خانواده و روابط خانودگی در ضرب المثل های فارسی، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره 31، صص 137-155
* رزاقی، محمد(1387)، همنشینی با میشل فوکو با تاکید بر تاریخ جنسیت، موجود در سایت جام جم فلسفه
* رضایی کلهر، اکبر و نورالله کریمی(1385)، یک هزار ضرب المثل کردی، ج 1، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه
* رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبده وند(1392)، تصویر زن در قصه های عامه فرهنگ بخیتاری، زن در فرهنگ و هنر، دوره 5، شماره2، صص 239-260
* روح الامینی، محمود(1382)، گرد شهر با چراغ در مبانی انسان شناسی، تهران: عطار
* ریتزر، جورج(1377)، نظریه های جامعه شناختی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چ سوم، علمی
* سیپک، ییری(1384)، ادبیات فولکور ایران، تهران: سروش
* کاکولی، مهدی(1385)، خانم ها نخوانند، نیشابور: انتشارات شادیاخ
* کلهر، سمیرا(1380)، زن در ضرب المثل ها
* محمدپور، احمد و دیگران(1391)، مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب المثل های کردی، زن در فرهنگ و هنر، دوره 4، شماره 3، صص 65-73
* محمدپور، احمد(1388)، درک معنایی پیامدهای نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه ای، مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره 2، تهران، انجمن جامعه شناسی ایران، ص 3-33
* محمدزاده، حسین(1387)، شناسایی و ضبط ترانه های حین کار در کردستان، واحد آموزش و پروش، صدا و سیمای مرکز کردستان
* مرادی، شیوا(1391)، هویت زن
* معصومی، محسن و ویدا رحیمی نژاد(1391)، زن و ضرب المثل های جنسیتی، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سنندج، سال 4، شماره11، صص 135-158
* موحد، مجید و دیگران(1391)، تحلیل جامعه شناختی از ضرب المثل های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس، زن در فرهنگ و هنر، دوره 4، شماره 2، صص 101-120
* میشل، آندره(1376)، پیکار با تبعیض جنسی( پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه و جامعه از کلیشه های تبعیض جنسی)، محمدجعفر پوینده، تهران: نگاه، چاپ اول
* میهن دوست، محسن(1380)، پژوهش عمومی فرهنگ عامه، تهران: توس
* نوبخت، رضا و نسرین احمدی(1388)، بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه های عامیانه(گپ شو)، پژوهش زنان، دوره 1، شماره 1، صص 61-73
* وطواط، رشیدالدین(1376)، لطایف الامثال و طرائف الاقوال، تصحیح حبیبه دانش آموز

**منابع خارجی**

* **Branch, Robin, Gallaher** (2005) Teaching The Old Testament Book of Proverbs Via A Play, Christian Higher Education, 4:57-69.
* **Honeck, Richard** (2000) A proverb in mind: The cognitive science of proverbial wit and wisdom, journal of pragmatics, 32: 627-638
* **Hussein, Jeylan, Wolyie** (2009) A Discursive Representation of Women in Sample Proverbs from Ethiopia Sudan, and Kenya, Research in African literatures., No.3, 96-108
* **Kiyimba, Abasi** (2005) Gendering Social Destiny in the Proverbs of the Baganda Reflections on Boys and Girls Becoming Men and Women, Journal of African Cultural Studies, 2:253-270.

1. دانشجوی دکتری انسان شناسی [↑](#footnote-ref-1)